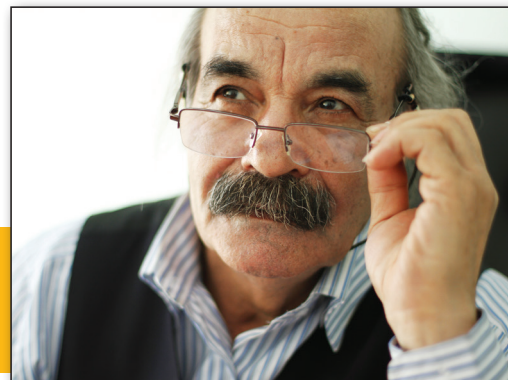


# به کجا چنین شتابان؟



شهید تقسیم می کردند و چه التماس هایی که از دوردست هم شنیده می شد. شب های جمعه دست در دست کمیل می گذاشتند و صبح های آدینه با ندبه، مولای خود را صدا می زدند. اما اینک رفته اند آن مومنانی صادق که به پیمان خویش با محبوب وفا کردند و گروهی نیز مانده اند چشم به راه و منتظر. آن روزها گذشتند چونان نسیم و کاروان رفته و داغی بر دل ها نشسته است؛ اما نام و یاد شهیدان همواره جاوید است و پایدارکه: «این مقال ما را به کجا می برد و این سخن در جان و دل چه می نشاند.»

خدا رحمت کند «کل عباس قالا» را که می گفت: «دیگه جارا از باند قالا\*» به دیه\*<sup>۲</sup> نیست، این روزها گپ توی کیه پاکرسی\*<sup>۳</sup> اگر ارزش داشته باشد از پل یاجوج ماجوج می گذرانند و به سن پترزبورگ می رسانند» دنیای کل عباس دورترین سن پترزبورگ بوده و حوزه دیدش دیه همان روستای محل تولدش، که می گفت مبادا که پیوندگله ورمه از این جایگاه بگسلد، مبادا که پیوند راستی از ما بگسلد، مبادا پیوند مرد پاک از ما بگسلد، مبادا که پیوند آئین اسلامی از ما بگسلد و... ما را چه می شود به پشت تریبون که می رسمیم خود می شویم غافل از اینکه دیگر خود نیستیم متعلق به همه ایم فرقی نیست میان فقیر و غنی. باید باورمان باشد صندوق رأی ملت به هیچ کس هیچ مقامی بیش از یک امتیاز نمی دهد و حاصل این یک ها می شود قیای وزیری و وکیلی و رییس جمهوری. بی پرده بگوئیم دست از من منیت بردارید. اگر رعیت زاده ای به کشت و داشت و برداشت برو، اگر کاسب زاده ای به صنعت برو و اگر تاجر پیشه ای بی تجارتت برو، آن کس قیای

آن روزها گذشتند، چونان نسیم و کاروان رفته و داغی بر دل ها نشسته است؛ اما نام و یاد شهیدان همواره جاوید است و پایدارکه: «مرگ، پایان کبوتر نیست؛ پرواز را به خاطر بسیار»

شهیدان همانند خورشید، گرما و روشنایی بخشند. آنها حتی در پس ابرهای فراموشی ما به یادمان هستند. شهیدان مهربانند مثل نسیم که یادشان دل هایمان را به عرش نزدیک تر می کند و روزهای پنجشنبه زیارت مزارهایشان جان هایمان را به ایمان آشنا تر می سازد. به راستی آسمانی که روزی فوج فوج کبوتر عاشق را در آغوش خویش داشت، اینک آرام، سر به گریبان یادها فرو برده است!

خاکی که روزگاری محراب سالکان بود، امروز چه سر به زیر در اندیشه فردایی است که باید رازهای سر به مهر سجده های شبانه و گریه های مخفیانه را آشکار سازد.

به راستی چه زود گذشتند آن روزهای آبی، ماه های روشن و سال های پر از صداقت محض. آن روزها که هیچ کس خود را نمی دید. تنها عشق بود که دل ها را تسخیر می کرد. هیچ کس اندیشه بازگشت نداشت که قافله سالار همه را به همراهی فراخوانده بود.

آن روزها در بازار خاکریزها تنها سکه رایج، عشق بود و زبان رسمی سنگر نشینان، زبان اخلاص. آن روزها که گام به جبهه آشنا می شد، دیگر دل کندن محال بود و بسیجی ها تنها با وعده عملیات دیگر به مرخصی می رفتند. در شهر هر روز سراغ اعزام را از فرماندهان می گرفتند. شب ها دلتنگی خود را با مزارهای خاموش هم سنگران

خدمت ببوشد که منت گذاری را بکار نبرد. ملت و کشور خدمت می خواهند و لطف من ها را تحمل نتوانند کرد. تیر مطلب از همین باب است به کجا چنین شتابان. «کاروان سالار انقلاب می فرمودند این مردم بودند که شما را از گنمایی به صحنه آوردند، خادم باشید.»

سال به پایان رسید مردم بار دیگر در خیابانها در صفوف متحد آوای اتحاد سردادند آیا شنیدید؟؟؟ اجازه بفرمائید این پیر سالخورده که نزدیک به هفت دهه عمر را پشت سرگذارد یک نصیحت بکند، تو خواه از سختم پندگیر، خواه ملال. به خود بازگردید هر آنچه شما گفتید ما کردیم با دل و جان، تا دنیا و عقبی را داشته باشیم. از دنیا که خبری نیست؛ برنج و روغن، آرد و نان، گوشت و غیره اگر هم باشد قدرت خریدمان نیست. اجاره خانه در دورترین نقاط شهری و روستایی فزون از داشته ما و بهداشت هم که نگو و نپرس. ما منتظر اشاعه فرهنگ هستیم که آنرا هم در ثبت نام آنچنانی از ما دریغ گردیده است پس باور بداریم به قول کل عباس قالا کپ توی کیه پاکرسی اگر ارزش داشته باشد از پل یاجوج ماجوج می گذرانند و به سن پترزبورگ می رسانند چون جهان شده یک دهکده کوچک.

یکی از ویژگی های نسل کنونی که آن را از همه نسل های گذشته متمایز کرده است، زندگی کردن در جهانی است که با بهره مندی از فناوری و سرعت اطلاعات، آنقدر کوچک و به هم پیوسته شده که به آن دهکده جهانی گفته می شود. اکنون در بازه زمانی کمتر از دقیقه که تصور آن در گذشته غیرممکن بود، می توان به تماشای هر گوشه ای از جهان نشست، حتی در داخل خیابان های شهرهایی با هزاران کیلومتر فاصله، به گشت وگذار پرداخت و به هرگونه اطلاعاتی دسترسی پیدا کرد.

درواقع، امروزه فناوری، هرگونه ممانعت از بروز اطلاعات را غیرممکن ساخته است. دنیای کوچک شده مدلی مناسب برای مشاهده تأثیر متقابل پدیده ها و درک چگونگی ماندگاری اندیشه و رفتار در جهان آفرینش. بسیاری از مفاهیمی که فهم آفرینش، برای انسان امروز آسان تر شده است. بسیاری از مفاهیمی که فهم آنها در گذشته مشکل می نمود، اکنون به راحتی

درک می گردد. اینکه جهان چگونه از سخنی، رفتاری و حتی اندیشه ای در اقصی نقاط عالم متأثر می شود و یا اینکه، گفتار و رفتار نادرستی، چگونه می تواند در اندک زمانی، جهانی را به آشوب کشیده، زندگی میلیون ها بلکه میلیاردها انسان را مورد تهدید قرار دهد.

به دلیل همین تأثیرگذاری سریع و گسترده، مسوولیت انسان امروز، به ویژه کسانی که مدعی نظریه پردازی و رهبری جهان در حوزه های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی اند نیز بسیار خطیر شده است، به حدی که با کوچکترین اشتباه فردی تأثیرگذار، ممکن است فاجعه ای اتفاق افتد. چنان که اشتباه محاسباتی افرادی مسوول و مؤثر در دولت آمریکا، در مورد نرخ بهره وام مسکن و نرخ بیمه وام در سال ۲۰۰۷، موجب بروز بحرانی عظیم شد که اقتصاد اغلب کشورهای جهان را تحت تأثیر قرار داد. در بیشتر آنها و به ویژه در کشورهای صادرکننده نفت موجب افزایش رکود اقتصادی و بیکاری شد که علاوه بر بروز پی آمدها فسادآور در زمینه های اجتماعی و فرهنگی، از بعد سیاسی نیز، در خیزش اخیر مردم کشورهای منطقه، بی تأثیر نبوده است. بنابراین، برای مبارزه با فساد، فحشا و نارضایتی ها، هیچ راهی جز مبارزه اساسی و قاطع با فقر و بیکاری نیست و از آنجا که شناخت علل آنها، لازمه داشتن مقابله است، مطلب حاضر می تواند گامی روشنگر در این راستا باشد. هرچند که به گواه اقتصاد کشورهای سوسیالیستی، همچون روسیه و کره شمالی و نیز اقتصاد آزاد کشورهایی همچون مالزی، ترکیه و کره جنوبی، اقتصاد متکی به دولت، خود مانع بزرگ چنین تلاشی است.

ما از نسل می توانیم ها ایم از مانده های ۱۳۳۲ از آوای نواب صفوی از سربازی رفته های ۱۳۴۳ میدانی طیب، از نظم گیرنده های رفیق دوست سال ۵۷. از جبهه دیده های همت ها و باکری ها. ما می فهمیم، با ما به از این باشید. به صف هدیه و یارانه ما را می کشید که نگوئیم! نه اشتباه نکنید آزموده را آزمودن خطاست. از امام انقلاب نیاموختید؟ تهران، نجف و پاریس و همان تکیه گاه و چند متکا و زیرانداز و همان گلیم، ولی سرفراز عالم و آدم.

دیه = ده، روستا      باند قالا = بلندی قلعه  
کیه پاکرسی = پای کرسی چه کسی نشسته است